

حریم خصوصی و جرایم جنسی در پرتو آموزه‌های فقهی

زهرا معماریان*، زهرا مصباحی شناکر**، محدثه دوستی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۹)

چکیده

حریم خصوصی گستره‌ای از عقاید، اعمال، رفتارها، ویژگی‌ها و مختصات هر شخصی است که برای عموم مردم آشکار نیست و وی به افشای آن رضایت ندارد و به ورود و نظارت دیگران عکس العمل نشان می‌دهد. حریم خصوصی خانواده در سیاست جرم‌شناسی اسلام، با نگاهی واقع‌بینانه به گزینه جنسی و پذیرش آن به عنوان امری ضروری در حیات فردی و اجتماعی، ولی سرکش و زیاده‌خواه، موضعی هدایت‌گر نسبت به آن اتخاذ کرده است؛ شناسایی حریم خصوصی خانواده یکی از روش‌های پاسداری و حفاظت از کرامت ذاتی انسان است. لذا تجسس اعضای خانواده در حریم خصوصی دیگر اعضای خانواده به حکم تکلیفی، حرام و مایه نکوهش اخلاقی است. بدیهی است اگر حریم خصوصی جنسی در محیط خانواده رعایت نشود کودک به بلوغ زودرس دچار می‌شود که عوارض نامطلوبی را برای جسم و روح او به همراه خواهد داشت. انحراف جنسی، واپس‌زدگی تمایلات و بی‌بند و باری جنسی پس از بلوغ، از جمله آثار منفی ناشی از عدم رعایت حریم خصوصی جنسی به شمار می‌آید. بنابراین به منظور تنظیم رفتار جنسی برابر مقررات مدون، راهکارهای متنوعی برای هدایت‌گری جنسی به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی، بالابردن آستانه مقاومت فرد در برابر کشش‌های غریزه جنسی و ایجاد نیروی خودکنترلی در درون فرد، از میان بردن عوامل تحریک‌کننده غریزه جنسی، ایجاد موانع بر سر راه دستیابی افراد درصدد ارتکاب جرایم جنسی اند، پیش‌بینی کرده است که نقش اساسی و مهمی در پیشگیری از جرایم جنسی دارند.

کلیدواژگان

جرایم جنسی، جرم‌شناسی، حریم خصوصی، غریزه جنسی، فقه.

* نویسنده مسئول: فارغ‌التحصیل رشته فقه و حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: z.n.memaryan@gmail.com

** دانشجوی رشته حقوق، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران

*** دانشجوی رشته حقوق، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران

مقدمه

یکی از غرایز مهم و بسیار قوی در نهاد آدمی، غریزه جنسی است که ضامن بقای نسل بشر است. سیاست جنایی اسلام برای سامان بخشیدن به غریزه جنسی در دو جهت ایجابی و سلبی گام برداشته: از یک سو روش‌های این غریزه را تشریح کرده و از سوی دیگر، راه انحراف آن را سد کرده است. از سوی دیگر جرم جنسی از قدیم‌الایام در جوامع بشری رواج داشته است و همواره به طرق مختلف در حال تکوین و تغییر بوده است. در این بین گروهی نیز به عنوان جرم‌شناس به بررسی این جرایم و سیر تحول آنها پرداخته‌اند. روابط جنسی خارج از مقررات ازدواج از جمله جرایمی است که به شدت یکی از ارزش‌های اساسی جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار می‌دهد. این پدیده اجتماعی، از عوامل گوناگونی سرچشمه می‌گیرد و سیاست جنایی اسلام برای مبارزه با آن، تدابیر متعددی را در سطوح مختلف اندیشیده است. شاید واژه جرم‌شناسی عمرش به یک قرن هم نرسد و بنا بر گفته برخی از ابداعات پیشرفته کشورهای غربی است و ما به نوعی دنباله روی آنها هستیم و همانطور که می‌دانیم این رشته خود به شعب گوناگونی تقسیم شده است که البته موضوع بحث ما نیست و از پرداختن به آن خودداری می‌کنیم، هدف اصلی مقاله جرم‌شناسی در اسلام است و به نوعی بیان این مسئله که در آیین دین مفاهیم مترقی جرم‌شناسی را مشاهده نمود. جرم‌شناسی رشته معطوف به انسان است فلذا لاجرم، جرم‌شناسی یک انسان شناسی نیز هست، از سویی ریشه در دین و باورهای مذهبی دارد و از همین جاست که به رابطه تنگاتنگ دین و جرم‌شناسی می‌توان پی برد که خود تأییدی بر تعبیر ما در مورد این بازتاب خود جنبه‌های گوناگونی دراد که شاید بدون اغراق بتوان گفت که از موضوع بحث ده‌ها کتاب قطور نیز بیشتر است. زیرا می‌توان نقش دین را به بررسی جرم‌شناسی جامعه شناختی، جرم‌شناسی پیشگیری و جرم‌شناسی اصلاح‌گرایانه دین پردازد و از این منظر به بررسی رابطه دین و جرم‌شناسی پردازد. از طرفی چون نهاد خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که تمایل جنسی زن و مرد و روابط عاطفی پدر و مادر به فرزندان زمینه شکل‌گیری آن را فراهم می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴) این کرامت بنیاد خانواده در قلمرو حقوق کیفری نیز از اهمیت

فوق العاده ای برخوردار است. کرامت ذاتی انسان در فرآیند جرم انگاری و دادرسی کیفری، از مداخله فضولی، غیر ضروری و تبعیض آمیز و دخالت در حریم خصوصی خانوادگی جلوگیری کرده است. با توجه به اهمیت خانواده و برطرف کردن غرایز جنسی، چند سوال در این پژوهش مورد بررسی است. ماهیت جرم چیست؟ تجاوز به حریم خصوصی چه مسئولیتی دارد؟ و مراد از حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی چیست؟ و سیاست اسلام در برابر جرایم جنسی و حفاظت از خانواده چیست؟

در همین راستا در پاسخ به این سوالات در این نوشتار به تعریف جرم و حریم خصوصی پرداخته و همچنین به ضمانت اجرای حریم خصوصی در مسائل خانوادگی پرداخته شده است.

ماهیت جرم

اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قاضی موظف است حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» در مفهوم جرم، در شرع و حقوق موضوعه اتفاق نظر وجود ندارد؛ از این رو، در جهت تبیین جرم شناسی در اسلام، بررسی تعریف حقوقی و نیز تعریف شرعی جرم لازم به نظر می رسد.

تعریف حقوقی جرم

در قانون اساسی نمی توان تعریفی از جرم به دست آورد و از آنجا که قوانین عادی به گونه ای توضیح دهنده قانون اساسی است، برای تعریف جرم باید به قوانین کیفری مراجعه کرد؛ در ماده ۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، برای نخستین بار تعریف مناسبی از جرم ارائه گردید: هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب است و هیچ امری را نمی توان جرم دانست، مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ماده ۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۶۱، ماده ۲ قانون مجازات سال ۵۲ عیناً تکرار شده بود؛ ولی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، در تعریف جرم می گوید: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.» در این ماده، عبارت «اقدامات تأمینی و تربیتی» حذف شده است. در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ نیز آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود.» جرم عبارتست از عملی که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، شماره ۱۵۶۰)

تعریف شرعی جرم

در تعریف شرعی جرم، اتفاق نظری وجود ندارد. براساس تعریفی که از جرم در کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم به عمل آمده است: جرم، مخالف با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است. (گرجی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۶/ به نقل از گلدوزیان، ۱۳۶۹، ص ۲۲۰)

براساس یک دیدگاه فقهی، حاکم شرع می تواند به صلاحدید خود، کسی را که مرتکب عمل حرامی شده است، تعزیر نماید؛ ولی باید از مقدار حد کمتر باشد. (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۱، ص ۴۴۸) اگرچه صاحب جواهر در مورد اصل این حکم ادعای نفی خلاف نموده است؛ ولی این دیدگاه را فقط مشهور فقها پذیرفته اند. در این رویکرد، هر عمل حرامی جرم محسوب می شود. براساس دیدگاه دیگر، تعزیر عمل حرام، به گناهان کبیره اختصاص دارد؛ یعنی قاضی فقط در گناهان کبیره مجاز به تعزیر مرتکب خواهد بود. (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۱، ص ۴۴۸) در مقابل، برخی از فقها از جمله محقق اردبیلی در اصل این حکم که هر عمل حرامی مستوجب تعزیر باشد، تردید کرده اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۱۷۶) برخی فقهای معاصر نیز پس از بررسی و نقد جدی ادله حکم مزبور، به این نتیجه رسیده اند که دلیل قابل اطمینانی بر این مسئله نداریم که مرتکب هر

عمل حرامی (حتی مرتکب گناهان کبیره) مستحق تعزیر باشد. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۹۵-۲۹۷)

عوامل وقوع جرم

عامل هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی را گویند که می تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقشی موثر داشته باشد. (کی نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۲) بین جرم و عوامل جرم زا رابطه قطعی نمی توان یافت، بلکه هر عامل تنها ممکن است سبب وقوع جرم شود. (مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۱۰۴) مسئله اساسی در جرم شناسی این است که علت جرم از مجموعه یا اقتران و ترکیب چندین عامل جرم زا و فقدان موانع یا عوامل بازدارنده پدید می آید. (کی نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۰) از سویی، جرم ماهیتی پویا و عرفی دارد و گناه از ماهیتی ثابت و الهی برخوردار است. از این رو، تحقق جرم هیچ ملازمه ای با تحقق گناه ندارد، چنان که تحقق گناه نیز ملازمه ای با تحقق جرم ندارد. هم می شود جرمی، گناه نباشد و هم می شود گناهی، جرم اعلام نشود. (سید حسینی تاشی، ۱۳۸۶، ص ۷۶) یعنی ممکن است فعلی که در قانون جرم است، در شرع گناه نباشد (مانند تخلفات رانندگی) و همچنین امکان دارد عملی که در شرع گناه است، از نظر قانون جرم شناخته نشود (مثل ناامیدی از رحمت خدا). از این رو، می توان گفت رابطه این دو، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی صرفاً برخی از رفتارها هستند که هم گناه هستند و هم جرم شناخته می شوند؛ برای مثال، قتل و زنا که از گناهان بزرگ به شمار می رود، جرم نیز هستند.

ارتباط جرم و گناه

دو واژه جرم و گناه از نظر ادبی مترادف هستند، لیکن این دو، از نظر ماهیت با هم تفاوت دارند؛ کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی محدود می شود که قانون یا هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه رفتاری را منع کرده باشد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸) از سویی، جرم ماهیتی پویا و عرفی دارد و گناه از ماهیتی ثابت و الهی برخوردار است. از این رو، تحقق جرم هیچ ملازمه ای با تحقق گناه ندارد، چنان که تحقق گناه نیز ملازمه ای با تحقق جرم ندارد... هم می شود جرمی، گناه نباشد و هم می شود گناهی، جرم اعلام نشود. (سید حسینی تاشی، ۱۳۸۶، ص ۷۶)

مفهوم حریم خصوصی

حریم در لغت عرب از ریشه ح رم است و به معنای منع و تشدید آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۱۸۴) همچنین، به معنای چیزی که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد نیز آمده است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۲) منظور از حریم در این پژوهش، حریم خانواده است. بنابراین می‌توان حریم را محدوده‌ی ممنوعه‌ی دانست که ورود به آن، واکنش اشخاص خانواده را به دنبال دارد.

خصوصی در زبان عرب از واژه‌ی الخاصة به معنی ویژه و اختصاصی آمده است. (طریحی، ۱۴۱۶، ص ۴۲۱) با روشن شدن مفهوم دو واژه حریم و خصوصی، ارائه‌ی تعریف از حریم خصوصی آسان می‌شود.

برخی از حقوقدانان با شناسایی عناصر محرمانه بودن، ناشناس بودن و تنهایی به عنوان ارکان حریم خصوصی، معتقدند: حریم خصوصی قلمروی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. ایشان ضمن تأکید بر نسبیّت مفهوم حریم خصوصی در تعریف خود معیار نوعی را به عنوان ضابطه تشخیص مصادیق حریم خصوصی معرفی می‌نماید. (انصاری، ۱۳۶۸، ص ۱۶)

مبانی حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع با عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد؛ و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.»
اصل کرامت ذاتی بشر، اصل احترام عرض و آبرو و اصل لزوم کتمان سر از مهمترین مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در مسائل تعالیم اسلامی است که در این قسمت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصل کرامت ذاتی بشر

منشأ اعتبار کرامت ذاتی انسان، آیه ۷۰ سوره مبارکه اسرا می باشد. خداوند در این آیه شریفه می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَي كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

به مقتضای این آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»، تا زمانی که عنوان انسان و بنی آدم، بر او صادق است، حرمت و کرامت او ذاتی است. روشن است که این کرامت و حرمت ذاتی، همان گونه که برخی از عالمان معتقدند، نمی تواند بدون حقوق ذاتی برای حقیقت انسان تصور شود؛ زیرا کرامت نوعی ارزش دادن و ترجیح انسان از جنبه انسانیت می باشد و این معنا، مستلزم آن است که انسان دارای حقوق فطری، طبیعی و اجتماعی مانند حق حیات، حق آزادی اندیشه و بیان و حق حرمت خصوصی و نظایر آن باشد. بر همین اساس، نمی توان صرف داشتن عقیده خاص را دلیل امتیازدهی در اعطای حقوق اجتماعی و شهروندی دانست. (متظری، ۱۳۸۳، ص ۳۷)

علامه محمد تقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی می گوید: در اسلام دو نوع کرامت برای انسانها ثابت شده است که عبارت است از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسانها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند. ۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می شود. این کرامت اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹)

اصل حرمت و احترام و عرض و آبرو

ماده ۶۳۸ هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد؛ و در صورتی که

مرتکب عملی شود که نفس آن عمل، دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

آبروداری در قرآن

خداوند در قرآن برای پاسداشت آبروی مؤمنان اهمیت ویژه‌ای قائل شده و همه آنان را به این عمل تشویق یا امر نموده و از آسیب زدن به آبروی دیگران نهی کرده است. نمونه‌هایی از دلیل این مدعا را در قرآن بررسی می‌کنیم:

شاهدطلبی در تهمت‌ها

خدای متعالی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِإِثْبَاتٍ فَاجْلِدُوهُمْ نَمَائِزًا جُلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (نور، ۴) و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعای خود) نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها همان فاسقانند. مقصود از محصنات زنان شوهردار نیست، بلکه زنانی که خود را در پرده عفاف و پاکدامنی پوشیده اند؛ اعم از این که شوهردار باشند یا نه. به زنانی که به وسیله شوهر عفت و آبرو و شرف، خود را در حصار محکم پاک دامنی قرار داده اند «محصنات» گفته می‌شود، چرا که ریشه این کلمه «حصن» است و حصن در اصل به معنای حصار محکم می‌باشد، اما بعداً به هر چیزی که وسیله محکمی برای نگهداری باشد، حصن گفته اند. (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

برای حفظ آبرو و شرف دیگران، اسلام برای اثبات زنا، چهار شاهد مقرر کرده است، و حتی اگر سه شاهد گواهی دهند، هر سه شلاق می‌خورند. چرا؟ بدیهی است که زنا، گناه پر اهمیتی است، قرآن کریم، زنا را فاحشه (کار بسیار زشت) و راه بد معرفی کرده است. پیامبر خدا در وصیت‌های خود به امیرالمومنین (ع) فرمود: در زنا شش خصلت است: سه ویژگی در دنیا و سه ویژگی در آخرت. در دنیا نور را می‌برد و فنا را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌برد و در آخرت بدی حساب و خشم خداوند و خلود در عذاب است. (قمی، ج ۱، ص ۵۶۰) دکتر کاتوزیان در رابطه تهمت معتقدند: حکم صداقت و امانت شاهد از سنخ امارات است و هرگاه شاهد در معرض اتهامی قرار گیرد که احتمال لغزش او غلبه پیدا کند، اماره راستگویی در اثر برخورد با اماره خاص

تر لغزش و انحراف، اعتبار و اثر خود را از دست می دهد و به صورت ادعایی بی پایه در می آید. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۶-۴۷)

معرفی تهمت به عنوان گناه آشکار

گاه بهتان زننده، آن چه را به دروغ نسبت داده، خود مرتکب نشده است؛ اما گاهی رفتار ناشایستی را که از خودش سر زده، به دیگری نسبت می دهد. خدا در قرآن کریم، نسبت دادنِ خطا و گناه خود به دیگران را که موجب خدشه دار کردن آبروی آنان است بهتان و گناهی آشکار معرفی نموده است و می فرماید: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ (نسا، ۱۱۲) «و کسی که خود، خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بی گناهی را به آن متهم سازد، بارِ بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است.

قرآن بر این نکته تأکید می کند که انسان باید همواره لباسِ تقوا و حیا داشته باشد و اهل ایمان و عمل صالح گردد و با عاشقانه عمل کردن به دستوراتِ خدا، نزد او آبرو و منزلت یابد تهمت زدن به افراد بی گناه با روح ایمان سازگار نیست؛ چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ ائِمَّاتُ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ؛ (طبرسی، ۱۴۰۶، ص ۳۱۹) کسی که برادر مسلمانش را متهم کند، ایمان در قلب او ذوب می شود، همانند ذوب شدن نمک در آب.

شایعه ستیزی

اسلام شایعه سازی، شایعه پذیری و شایعه گستری را محکوم نموده و گفتن و پذیرفتن بدون تحقیق هر سخنی را ممنوع کرده است، تا از آبروی افراد، شخصیتها و جوامع جلوگیری کند. از جمله اینکه خداوند می فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هِينًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»؛ (نور، ۱۵) به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می گرفتید و با دهان خود سخنی می گفتید که به آن یقین نداشتید و آن را کوچک می پنداشتید، در حالی که نزد خدا بزرگ است.

پیشگیری از اشاعه فحشا

اسلام برای مصونیت جامعه و حفظ آبروی افراد، از شیوع زشتی‌ها و کاهش قبح آنها بین مردم پیشگیری می‌کند؛ لذا قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَجُوبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (نور، ۱۹) «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

ادله حریم خصوصی خانواده

حریم خصوصی در خانواده به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. ادله عام حریم خصوصی در تعالیم اخلاقی و حقوقی اسلام

۲. ادله حریم خصوصی در قرآن کریم

سوره حجرات بر منع تجسس در امور و احوال دیگران دلالت دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

نقل کرده‌اند که عمر شبی از کوچه‌ای عبور می‌کند و صدای مرد و زنی را از خانه‌ای می‌شنود. وی از بالای دیوار خانه بالا می‌رود و مردی را همراه زنی شراب به دست در حیاط خانه می‌یابد. به مرد می‌گوید: ای دشمن خدا! فکر می‌کنی خدا تو را در حالی که معصیت می‌کنی مستور خواهد داشت؟! مرد به عمر می‌گوید: ای امیرمؤمنان! اگر من یک اشتباه کردم، تو سه اشتباه کردی. خداوند فرموده: «و لا تجسسوا»، ولی تو تجسس کردی، و گفته: «أتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» و تو از دیوار آمدی و فرموده است: «إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا» و تو سلام نکردی. (قمی شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۵۴۹)

خداوند متعال در سوره نور می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تُدَكَّرُونَ» (۲۷) فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ (۲۸)؛ ای اهل ایمان هرگز به خانه ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید مگر آن که با اهل آن خانه انس گیرید و (چون رخصت یافتید داخل شوید)، به اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه کسی را نیافتید وارد خانه نشوید، تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، برگردید که این برای پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می کنید، داناست.»

ابویوب انصاری عرض کرد: یا رسول الله استناس چیست؟ فرمود: اینکه با تسبیح و کلماتی اهل منزل را از وجود خود آگاه سازی مثل گفتن یا الله. پس اگر کسی را در آن خانه نیافتید، وارد آن نشوید تا حتماً به شما اجازه داده شود؛ آن گاه اضافه می کند؛ و اگر به شما گفته شود برگردید، آن را بپذیرید و برگردید و اصرار نکنید، که این روش برای شما پاکیزه تر است و جواب رد، شما را ناراحت نکند و بدون اظهار ناراحتی برگردید، شاید صاحب خانه در شرایطی نیست که شما را بپذیرد. (بهرام پور، ۱۳۹۱، ص ۵۳۲-۵۳۳)

ادله اختصاصی حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی

در تعالیم اخلاقی و حقوقی اسلام آیات و روایات را می یابیم که برحیم خصوصی در مناسبات اعضای خانواده دلالت دارند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

حریم خصوصی جنسی

خداوند متعال در سوره نور می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور، ۵۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به

حدّ بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است!

صاحب جواهر به نقل از مجمع البیان در تفسیر آیه مزبور می نویسد که لزوم اذن در اوقات سه گانه اختصاص به اطفال دارد؛ لذا به مجرد اینکه طفل از طفولیت خارج گردد و بالغ گردد، باید در تمامی اوقات مانند افراد بزرگسال اذن بگیرد و لزوم اذن در تمامی اوقات از اموری است که مردم از آن غفلت دارند و در نزد آنان مانند شریعت منسوخ است. (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۲۴)

در روایات نیز به رعایت حریم خصوصی از ناحیه زوج و زوجه و دیگر اعضا تأکید شده است. چنان که رسول اکرم (ص) می فرماید: « به خدا سوگند اگر مردی با همسر خود بیامیزد و در اطاق، کودک بیداری آن دو را در حال آمیزش ببیند و سخنان آنها و همچنین صدای تنفسشان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد، اگر دختر باشد یا پسر سرانجام به زناکاری آلوده می شود. » (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۶)

مبانی حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی

اصل کرامت ذاتی بشر، اصل احترام عرض و آبرو و اصل لزوم کتمان سر از مهمترین مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در مسائل تعالیم اسلامی است که در این قسمت، مورد بررسی قرار می گیرد.

جرایم جنسی تعزیری منصوص

فقیهان درباره ی پاره ای انحراف‌های جنسی که ماهیت آنهاى خطای اخلاقی است، بحث کرده اند. در برخی جاها، تنها حرمت و ممنوعیت عمل بیان شده است، بی آن که مجازاتی برای آن تعیین شود؛ اما گاه برای عمل حرام، به پیروی از روایات، کیفر نیز تعیین شده است. مطالعه هر دو

دسته، می تواند ابعادی از حساسیت های شارع اسلام به انحراف های جنسی و شیوه واکنش در برابر آنها را روشن سازد.

اعمال منافی عفت کمتر از زنا

در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی آمده است که: هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه ی زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد؛ و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می شود.

در روایات، حکم مواردی از اعمال منافی عفت که به حد آمیزش جنسی نمی رسد، ذکر شده است؛ از جمله، هم خوابی مرد و زن نامحرم با یک دیگر. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که حضرت علی (ع) مرد و زنی را که زیر یک پوشش قرار گرفته بودند، ۹۹ تازیانه زد. (عاملی، ج ۱۴، ص ۲۴۵، باب ۱۳) در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی (ع) درباره مردی که در بستر زنی یافت شده بود، فرمود: «آیا جز این، چیزی دیده اید؟ گفتند: نه. فرمود: او را به یک چاه توال (گودال نجاست) ببرید و در آن بغلتانید و رهاش کنید.» (عاملی، ج ۱۸، ص ۴۱۰، باب ۴۰)

درباره حکم تشدید کیفر کسانی که چند بار مرتکب این گونه اعمال می شوند، اتفاق نظر وجود ندارد. علامه حلی در ارشاد الازهران گفته است: «هرگاه دو زن بیگانه (غیر خویشاوند) زیر یک پوش قرار گیرند، تعزیر می شوند. اگر کسی پس از دوبار ارتکاب این عمل، تعزیر شود، در مرتبه سوم حد بر او جاری می شود.» (اردبیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۳، ص ۱۲۴) قاضی ابن برآج در همین باره، پس از دو بار تعزیر و اجرای حد در مرتبه سوم، حکم به جواز قتل در مرتبه چهارم نموده است. او درباره کسی که چند بار با حیوانی آمیزش کند نیز همین گونه فتوا داده است. (طرابلسی، ج ۲، ص ۵۳۳)

ازاله بکارت

از جمله انحراف های جنسی مستوجب تعزیر، ازاله بکارت دختر، از راهی جز آمیزش جنسی است. قانون مجازات اسلامی ازاله بکارت را جرم خاص قلمداد نکرده است. مگر این که گفته شود

عموم مفاد ماده ۵۸۶ این قانون را می‌توان بر این بزه نیز منطبق دانست. ماده یاد شده مقرر می‌نماید: «هرگاه ازاله بکارت غیر همسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است. تبصره ۱- هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست. تبصره ۲- رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکره‌ی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است.» در روایت، برای مرتکب این جرم، ۸۰ تازیانه، همراه پرداخت مهرالمثل به کسی که از او ازاله بکارت شده، پیش بینی شده است. (عاملی، ج ۱۸، ص ۴۰۹، باب ۳۹ روایت ۲-۴) ولی فقیهان به شهادت روایات دیگری که در این باره وجود دارد، حد را بر تعزیر حمل کرده‌اند. (نجفی، ج ۴۱، ص ۳۷۱)

خودارضایی

«خود ارضایی» یا «استمنا» به معنای طلب بیرون آوردن منی از خود، از راه‌های نامشروع است؛ مانند این که انسان با مالیدن دست یا عضوی دیگر از بدن یا شیء خارجی به اندام تناسلی، منی از خود بیرون بیاورد.

فقیهان بر اثبات حرمت این عمل، افزون بر روایات، به قرآن مجید هم استناد کرده‌اند. قرآن مجید در دو جا، پس از آن که راه‌های بهره برداری مشروع از جنس مخالف، یعنی لذت بردن از همسر و کنیز، که در آن دوران رایج بوده است، را برمی‌شمارد، هرگونه استمتاع دیگر را تجاوز و عدوان به شمار می‌آورد. قرآن کریم در سوره معارج می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَرْوَاحِهِمْ حَافِظُونَ» (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (۷)؛ و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند. و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند!

امام صادق (ع) در پاسخ به کسی که درباره این عمل از وی پرسید، ضمن اشاره به آیات یاد شده و این که حرمت استمنا در قرآن مجید ذکر شده است، فرمود: «این گناهی عظیم است و مرتکب آن گویا با خود آمیزش کرده است. اگر کسی را بشناسم که مرتکب این عمل می‌شود، با

او غذا نمی خورم.» امام(ع) در پاسخ به این که آیا گناه این عمل بیشتر است یا گناه زنا، فرمود: «هرگناهی از آن رو که نافرمانی خداوند می باشد، بزرگ است؛ و این، کار شیطان است.» (عاملی، ج ۱۸، ص ۵۷۵، باب ۳، روایت ۴)

استمنا با شهادت دو مرد عادل یا اقرار مرتکب، هر چند یک بار، ثابت می شود؛ اما برخی فقیهان، مانند ابن ادریس، دو بار اقرار را برای اثبات آن لازم دانسته اند. گفتنی است این بزه با شهادت زنان، هر چند متعدد باشند، ثابت نمی شود. (نجفی، ج ۴۱، ص ۶۴۹)

خشونت جنسی

مقصود از خشونت جنسی، انجام دادن عمل جنسی به طور متعارف و به گونه ای است که مستلزم آسیب به طرف دیگر رابطه جنسی باشد؛ حتی اگر این خشونت در جریان رابطه زناشویی شرعی باشد. خشونت در رابطه جنسی، بیشتر از سوی مرد امکان پذیر است؛ هر چند خشونت ورزی به مرد نیز قابل تصور و تحقق است. قرآن مجید، به طور کلی، مردان را به معروف و پسندیده با زنان فرمان می دهد. ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: افضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است: الف) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه ی کامل زن باید پرداخت شود. ب) هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه ی کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده ی زوج است؛ هر چند او را طلاق داده باشد.

ضمانت اجرای حریم خصوصی در مناسبات اعضای خانواده

در تعالیم اسلامی برای شناسایی حریم خصوصی در روابط اعضای خانواده آموزه های اخلاقی هستند. لذا ضمانت اجرایی غالب موارد آن ضمانت معنوی پاداش و کیفری دنیوی و اخروی است. چنان که امام صادق (ع) در زمینه پاداش دنیوی و اخروی کسی که حرمت حریم خصوصی دیگری را رعایت نماید، فرمود: «هرکس عیوب مومنی را بپوشاند. خداوند هفتاد عیب از عیوب دنیایی و اخروی وی را خواهد پوشانید.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۰۰)

نقش نهادهای مدنی و دولتی در احترام به حریم خصوصی و جلوگیری از جرم

یکی از مراحل پیش‌گیری از جرم و حمایت از حریم خصوصی مرحله عمل است که به دو بخش تقسیم می‌شود: نخست، اقدام عملی برای پیشگیری از جرایم مانع میان فرد و ارتکاب جرم، دور کردن او از موقعیت ارتکاب جرم. دوم اقدام به ضرب و جرح که این نوع مختص نهادهای مشخص دولتی است و در سیاست کیفری باید از آن سخن گفت.

تدابیر کیفری

وضع قوانین جزایی و در نظر گرفتن کیفر برای متخلفان، تا حدی از ارتکاب جرم پیش‌گیری می‌نماید. از این رو، تذکر قوانین جزایی در جامعه لازم است. علامه طباطبایی در این مورد می‌فرماید: یکی از تعلیماتی که لازم است در اجتماع تثبیت شود، تلقین و تذکر احکام جزایی است، تا اینکه همه بدانند در صورت تخلف از قانون به چه مجازات‌ها گرفتار می‌شوند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۰)

در مرحله تقنین

رجم برای مرد یا زنی که به رغم محصن بودن، مرتکب زنا شود یعنی فردی که همسر دائمی دارد و با او رابطه جنسی برقرار کرده است و در زمان ارتکاب زنا نیز مانعی از برقراری رابطه جنسی با همسر برایش وجود نداشته است؛ در عین حال رابطه نامشرو جنسی را بر رابطه مشروع ترجیح داده است که بیان گر لابی‌گری، ناسازگاری اجتماعی و حالت خطرناک وی است. (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۴۱، ص ۳۱۸)

اعدام برای چند گروه

در قانون مجازات اسلامی نیز برای زنانی با محارم نسبی مجازات قتل تعیین شده است. در این مورد، وجود خویشاوندان نسبی بین زانی و زانیه موجب شده مجازات زنا که در حالت عادی صد ضربه شلاق است، به قتل تغییر پیدا کند. زنا با محارم به عنوان یکی از بارزترین موارد تأثیر خویشاوندی در حقوق کیفری از بعد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آن جا که در

روايات و فتاواى فقها حكم قتل بر موضوع زنا با «محرم» تعلق گرفته محرم يعنى كسى كه نكاح با او حرام است و هنگامى كه گفته مى شود فلانى محرم فلان زن است كه ازدواج با آن زن هرگز برايش حلال نباشد. (جواهرى، ج ٥، ص ١٨٩٦)

ماده ٨٢ ق.م.ا. «حدّ زنا در موارد زير قتل است و فرقى بين جوان و غير جوان و محصن و غير محصن نيست: الف) زنا با محارم نسبى. ب) زنا با زن پدر كه موجب قتل زانى است. ج) زناى غير مسلمان با زن مسلمان كه موجب قتل زانى است. د) زناى به عنف و اكراه كه موجب قتل زانى اكراه كننده است.»

«الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ٢)؛ بايد هر يك از زنان و مردان زنا كار را به صد تازيانه مجازات و تنبيه كنيد و هرگز درباره آنان در دين خدا رأفت و ترحم روا مداريد اگر به خدا و روز قيامت ايمان داريد، و بايد عذاب آن بدكاران را جمعى از مؤمنان مشاهده كنند.

در مجموع اين آيه شريفه متضمن سه دستور است: نخست: شلاق زدن زنان و مردان زناكار و البته اين حكم به ظاهر عام، به كمك ادله ديگر، به زنان و مردانى اختصاص دارد كه همسر ندارند، يا اگر همسر دارند، از دست رس ايشان خارج است. دوم: كسانى كه با شلاق زناكاران را مجازات مى كنند، نبايد دست خوش محبت و رأفت شوند. سوم: گروهى از مومنان بايد شاهد مجازات آنها باشند. (بهشتى، ١٣٨٦، ص ٤٥-٤٦)

در مرحله دادرسى

براساس سياست جنائى اسلام، در موارد وجود شبهه، قاضى بايد طبق قاعده درء مجازات را از متهم دفع كند. اين موارد بدین شرح اند:

ادعاى عدم علم

يكى از شرايط مسئوليت كيفرى، علم به حكم است. بر اين اساس اگر مرتكب جرايم جنسى، ادعاى عدم علم كند حتى اينكه اين ادعا فقط از سوى يكى از طرفين ارتكاب جرم باشد، برابر

قاعده درء، قاضی می‌تواند او را مجازات کند (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۶) زیرا او با عدم علم، نسبت به تکلیف (حرمت عمل) شبهه داشته است.

ادعای اشتباه

از آنجا که در مسئولیت کیفری علاوه بر علم به حکم، علم به موضوع نیز شرط است، چنان چه مرتکب جرایم جنسی، ادعای اشتباه در موضوع کند و قاضی احتمال صدق او را در این ادعا بدهد، مجازات اعمال نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۶۴) زیرا با ادعای او و احتمال صدق ادعا نزد قاضی، برای وی استحقاق مجازات مرتکب، شک ایجاد می‌شود و برابر قاعده درء، در چنین موردی مجازات قابل اجرا نیست.

ادعای اکراه

یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری، اختیار است و فرد فاقد اختیار، مسئولیتی ندارد. حال اگر کسی ادعای اکراه در ارتکاب جرایم جنسی را داشته باشد و قاضی به دروغ بودن ادعایش یقین نداشته باشد، حق اعمال مجازات را ندارد. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۱) زیرا ادعای اکراه، باعث ایجاد شک نزد قاضی در مجرمیت مرتکب می‌شود و در این صورت، قاعده درء اجازه اعمال مجازات را به قاضی نمی‌دهد.

در مرحله اجرا

در سیاست جنایی اسلام، امام این اختیار را دارد که در برخی موارد چنان چه به مصلحت فرد و جامعه تشخیص دهد، مرتکب جرایم جنسی را از مجازات معاف کند که این موارد عبارت اند از:

۱. جرم زنا

«وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوَاجَ إِنَّمَا كَانَ فَا حِشَّةً وَسَاءَ سَبِيلًا (اسراء، ۳۲)»؛ و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید، که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. در این آیه به گناه بزرگی تحت عنوان زنا و عمل منافی عفت اشاره دارد و از زنا تعبیر به فاحشه کرده است که نشان از عظمت و ناپسندی گناه دارد در این آیه نمی‌گوید زنا نکنید بلکه می‌گوید به زنا نزدیک نشوید و این تعبیر اشاره به آن دارد که

آلودگى به زنا مقدماتى دارد مثال چشم چرانى، برهنگى و غيره همه از عوامل قرب به زناست كه در اين آيه با يك جمله کوتاه از همه آنها نهي مى كند و (مكارم شيرازى، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۳۴) اگر فردى مرتكب جرم زنا شود و با اقرارش جرم اثبات شود، در صورت توبه كردن از جرم ارتكابتى، امام مى تواند مجازات را از او بردارد. (نجفى، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۹۳) ماده ۲۲۱ ق.م.ا. در اين رابطه بيان مى دارد: زنا عبارت است از جماع مرد و زنى كه علقه ي زوجيت بين آنها نبوده و از موارد وطى به شبهه نيز نباشد.

۲. جرم لواط و تفخيذ

«و لوطاً إذ قال لقومه أ تأثون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين (۸۰) إ نكم لتأثون الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مشرفون» (اعراف، ۸۱)؛ و (به خاطر آوريد) لوط را، هنگامى كه به قوم خود گفت: «آيا عمل بسيار زشتى را انجام مى دهيد كه هيچ يك از جهانيان، پيش از شما انجام نداده است»؟! آيا شما از روى شهوت به سراغ مردان مى رويد نه زنان؟! شما گروه اسرافكار (و منحرفى) هستيد!

در اين آيات حضرت لوط قومش را سرزنش مى كند بدليل ارتكاب گناهى كه تا قبل از آن در جهان سابقه نداشت و احدى از جهانيان مرتكب آن نشده بود كلمه (فاحشه) در اين جا بر انحراف جنسى قوم لوط كه همجنس گرايى آنهاست دلالت دارد كه نشانه عظمت گناه لواط و ناپسند بودن آن است. (مكارم شيرازى، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۹) در صورت اثبات جرم با اقرار مرتكب و توبه كردن او پس از اثبات، امام اختيار دارد او را از مجازات معاف گرداند. (نجفى، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۸۷)

۳. جرم مساحقه

«واللّٰتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً» (نسا، ۱۵)؛ زنانى از (جامعه) شما كه عمل ناشايسته كنند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهيد، چنانچه شهادت دادند آن زنان را در خانه نگه داريد تا عمرشان به پايان رسد يا خدا براى آنها راهى پديدار گرداند.

هر چیزی که قبح آن شدت یابد فاحشه نامیده می‌شود که گاهی بین دو زن اتفاق می‌افتد که آن را مساحقه گویند و گاهی بین دو مذکر به وجود می‌آید که لواط نامیده می‌شود و گاهی نیز بین مذکر و مؤنث مصداق می‌یابد که آن را زنا می‌گویند؛ پس لفظ فاحشه در زنا ظهور ندارد و بلکه یا حمل به مساحقه می‌شود یا اعم از مساحقه و زناست. (خویی، البیان، ۱۴۰۳، ص ۲۰۳) ماده ۱۲۷ق.م.ا. «مساحقه هم جنس بازی زنان است با اندام تناسلی». ماده ۱۲۹ق.م.ا. «حد مساحقه برای هر یک از طرفین صدتازیان است.» همچنین ماده ۱۳۱ق.م.ا. «هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است.» در کتب فقهی در حد مساحقه اختلاف نظر وجود دارد. یعنی آن را صد تازیان می‌دانند و فرقی میان زن محصنه و غیر محصنه نمی‌گذارند و بعضی دیگر به تفصیل قائل اند و در غیر محصنه صد تازیان و در محصنه به رجم فتوا داده اند. (خویی، تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۲۴۷)

اگر با اقرار زنی جرم مساحقه اثبات شود، در صورتی که پس از اقرار، توبه کند، امام می‌تواند دستور سقوط مجازات وی را بدهد. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۳۹۰) زیرا یکی از اهداف مجازات، اصلاح بزهکار است و توبه او می‌تواند نشانه حرکت او به سوی اصلاح باشد؛ بنابراین این اختیار به امام داده شده است تا اگر موانع دیگری نباشد و مصلحت فرد یا جامعه اقتضا کند، بزهکار را از قید مجازات برهاند.

نتیجه‌گیری

در حقیقت انسانی که به حریم خصوصی دیگران احترام می‌گذارد، در این دنیا با تحصیل کمالات روحی و معنوی به پاداش رفتار خود دست می‌یابد و در صورت تجاوز به حریم خصوصی دیگران، با سقوط اخلاقی به مجازات اعمال خود خواهد رسید. پاداش و کیفر جهان دیگر نیز با عنایت به اعمال این دنیا خواهد رسید، پاداش جهان دیگر نیز با عنایت به اعمال این دنیا خواهد بود. سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طولی طراحی کرده است؛ اول: تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روانشناختی و جامعه‌شناسی انسان، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی غریزه جنسی بالا ببرد و بدین وسیله یک نیروی کنترل

درونی در افراد ایجاد کند تا او بدون نیاز به نیروی کنترل بیرونی، از ورود به حریم خصوصی خانواده دوری گزیند؛ دوم: با سخت ترین دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس العمل تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاص در مظان ارتکاب جرم را از اجرایی کردن افکار مجرمانه خود بازدارد. سوم: به عنوان آخرین راه، با وضع تدابیر کیفری متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است.

اسلام مجازات مجرمان را به منظور پیش گیری از تکرار جرم توسط خود مجرم و عبرت آموزی دیگران، بایسته و ضروری می داند؛ در راستای انجام رسالت خویش، بر اصلاح و تربیت اخلاقی افراد و رساندن انسان به مقامات والای معنوی تأکید ویژه ای دارد. این امر می تواند علاوه بر سوق دادن انسان به سوی کمال نهایی و قرب الهی از ارتکاب جرایم به نحو موثری پیش گیری نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

قانون مجازات اسلامی

قانون اساسی

۱. ابن فارس، الوالحسین احمد بن زکریا (۱۴۰۴)، معجم مقایس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد بن هارون، دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم.
۲. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، نشر سمت، تهران.
۳. بهشتی، احمد (۱۳۸۶)، تفسیر سوره نور، موسسه بوستان کتاب، قم.
۴. بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۹۱)، تفسیر یک جلدی مبین، آوای قرآن، قم.
۵. جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۴۱۹)، رسائل فقهی، موسسه منشورات کرامت، تهران.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، بی جا.
۷. حر عاملی (۱۳۹۱)، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت عليهم السلام الاحیاء التراث العربی، قم.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، مطبعه الآداب، نجف.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۷)، کتاب النکاح، مدرسه دارالعلم - دارالهادی.
۱۰. ----- (بی تا)، مبانی تکمله المنهاج، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم.
۱۱. ----- (۱۴۳۰)، البیان فی تفسیر القرآن، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم.
۱۲. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۲)، جامعه شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. سید حسینی تاشی، صادق (۱۳۸۶)، رابطه جرم و گناه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین، قم.
۱۵. طبرسی، ابی علی فضل بن طبرسی (۱۴۰۶)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت.
۱۶. طرابلسی، عبدالعزیز بن براج (۱۴۰۶)، المهذب، جامعه المدرسین، قم.

۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۴)، القاموس المحيط، داراحیاء التراث العربی، القاموس المحيط.
۱۹. قمی شیرازی، محمد طاهر (۱۴۱۸)، کتاب الأربعین، ناشر محقق، چاپ اول.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸)، حقوق مدنی (خانواده)، انتشارات به نشر، تهران.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، اثبات و دلیل اثبات، نشر میزان، تهران.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول الکافی، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۴. کی نیا، مهدی (۱۳۸۶)، مبانی جرم شناسی، دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۵۵)، گزارش علمی کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم؛ نشریه موسسه حقوق تطبیقی.
۲۶. مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۱۱)، مجمع الفایده و البرهان، النشر الاسلامی، قم.
۲۷. مظلومان، رضا (۱۳۵۳)، جرم شناسی، کلیات، دانشگاه تهران، تهران.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پانزدهم.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۱)، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۳۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۴)، الدر المنضود، موسسه آل البيت (ع)، قم.
۳۱. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳)، رساله حقوق، سرایی، قم.
۳۲. النجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن (بی تا)، الربا فقیهاً و اقتصادياً، بی نا، مندرج در نرم افزار کتاب خانه نور، جامع فقه اهل بیت (ع).
۳۳. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران.